



# شهید سلیمانی؛ افزایش توان بازدارندگی ایران

یادداشت  
دکتر ایوب نوری  
دکترای مدیریت



اشاره | حضور سردار سلیمانی در عرصه‌های مختلف منطقه، کارساز، اثربخش و گره‌گشا بود؛ اما اگر بخواهیم به تک‌تک اقدامات ایشان بپردازیم، قطعاً به تألیف کتاب‌ها نیاز داریم. ما در این یادداشت، قصد داریم تا تنها به یک اقدام (افزایش قدرت بازدارندگی ایران) از هزاران اقدام حاج قاسم، آن‌هم به صورت کلی اشاره کنیم که اگر این اقدامات نبود، حتماً منطقه غرب آسیا، سرنوشت دیگری پیدا می‌کرد.

خستگی ناپذیر در منطقه تلاش کرد تا مشکلات و عناصر تفرقه در جهان اسلام را حذف کند و بارها مردم منطقه را به هوشیاری در برابر توطئه‌های مرموزانه دشمن دعوت کرد. کاری که هیچ‌یک از وزرای امور خارجه جهان اسلام انجام ندادند؛ بنابراین، نتیجه این راهبرد، افزایش توان بازدارندگی، امنیت سازی فراملی، دور شدن تهدیدها و سایه جنگ و تغییر توازن منطقه‌ای شد.

نوام چامسکی در کتاب «دخالت» می‌نویسد: «در منطقه نفت خیز خاورمیانه [غرب آسیا]، تنها کشورهایی که نتوانسته‌اند خود را با واشنگتن هماهنگ کنند، ایران و سوریه بوده‌اند، لذا هر دو، دشمن آمریکا محسوب می‌شوند که در این میان، ایران، مهم‌تر از سوریه است.» وی ایده هلال شیعی را برگرفته از دوران جنگ سرد، دانسته است و می‌نویسد: «تهران در این هلال محور است؛ هلالی که از ایران تا جنوب لبنان و مناطق شیعی نشین جنوب عراق و سوریه ادامه دارد.» چامسکی در ادامه، مسئله مهم آمریکا در خاورمیانه [غرب آسیا] را کنترل مؤثر منابع انرژی، معرفی کرده است، زیرا نفوذ ایران در هلال شیعی، تلاش آمریکا را برای کنترل این منابع، به خطر می‌اندازد. به اعتقاد او، بدترین کابوس واشنگتن، این است که یک ائتلاف شیعه، مستقل از آمریکا، کنترل مهم‌ترین ذخایر نفت جهان را بر عهده بگیرد و او در این نبرد شکست بخورد.<sup>۲</sup>

تحولات دو دهه اخیر منطقه -که متأثر از حضور و نفوذ سردار سلیمانی بود- این کابوس را در بدترین شکل

منطقه غرب آسیا به دلیل منابع زیرزمینی، موقعیت ژئوپلیتیک و ... همواره صحنه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فراملی بوده است. آمریکا یکی از این قدرت‌ها بود که سال‌های سال، تلاش کرد تا در منطقه، نقش آفرینی کند. آمریکا، طرح‌های متعددی اتخاذ کرد، گروه‌های متعددی پرورش داد، اما همواره چیزی جز شکست، چیزی برایش در پی نداشت. چراکه منطقه غرب آسیا، یک مغز متفکر استراتژیست داشت که همواره طرح‌ها و ایده‌های آن‌ها را خنثی می‌کرد. شهید سلیمانی، اقداماتی انجام داد که قدرت توان بازدارندگی ایران در منطقه، افزایش پیدا کند. به‌گونه‌ای که تنها کشور منطقه باشیم که در مقابل قدرت‌های سطح اول جهان، قدرت مقابله داشته باشیم؛ اقدامی که بعد از جنگ سرد تاکنون، تنها جمهوری اسلامی ایران در کارنامه خود ثبت کرده است. سردار سلیمانی در تقویت بعد قدرت سازی جهانی ایران در حوزه نظامی، عملیاتی و بازدارندگی مبتنی بر شکل‌گیری نظم غرب آسیا بر محوریت ایران، جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نقش آفرینی جهانی را دوچندان کرد.

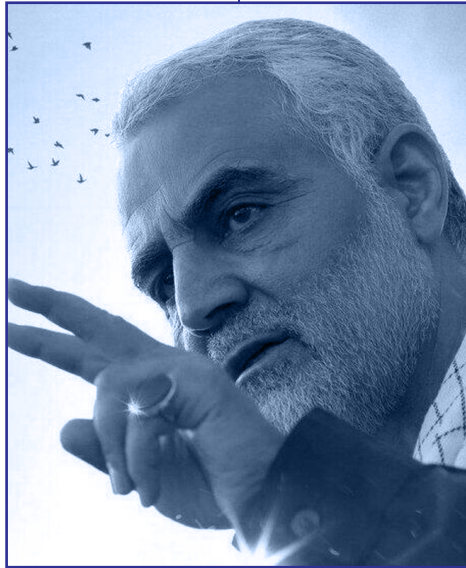
درواقع، ویژگی‌های منحصربه‌فرد شهید سردار سلیمانی (مغز متفکر استراتژیست)، حوزه نفوذ منطقه‌ای ایران از عراق و سوریه گرفته تا یمن و افغانستان را گسترش داد و اینجا بود که حاج قاسم را به یک نیروی نظامی، عملیاتی، میدانی و سیاسی بی‌نظیر تبدیل کرد، به‌گونه‌ای که از ایشان به‌عنوان وزیر امور خارجه واقعی ایران و جهان اسلام یاد می‌کردند.<sup>۱</sup> زیرا حاج قاسم

۲. چامسکی، نوام. (۱۳۸۶/۵/۹). آمریکا از ایران می‌ترسد. حافظی نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). چالش‌های ژئوپلیتیکی همگرایی در جهان اسلام. فصلنامه جغرافیای انسانی، شماره ۴۴

1. Michael Rubin (2017), Iran's real foreign minister isn't who you think it is, by, washingtonexaminer, <https://www.washingtonexaminer.com/irans-real-foreign-minister-isnt-who-you-think-it-is>

## جمع‌بندی

آمریکا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر با طرح خاورمیانه بزرگ و در چارچوب جنگ نیابتی، به دنبال آن بود تا کل منطقه را تحت سلطه خود قرار دهد، اما در برابر این طرح، کانون مقاومت مردمی یا به عبارتی، گفتمان مقاومت وجود داشت که معادله وجود داشته را بر هم زد. آمریکایی‌ها برای رفع



این موانع، بیش از دو دهه تلاش کردند و هنوز هم به صورت مستقیم و غیرمستقیم، در تلاش هستند تا موانع را رفع کنند؛ اما فراموش کردند که درخت تنومند مقاومت، با هیچ استراتژی و طرحی خشک نمی‌شود، زیرا در طول دوران خدمت حاج قاسم، آن‌ها بارها طعم شکست را چشیدند. شهید سلیمانی با طرح‌ها، ایده‌ها و عملکردهای خود در منطقه، اقداماتی را انجام داد که در یک توافق نانوخته، دشمن هزینه می‌کرد اما جبهه اسلام، فایده و بهره آن را می‌برد. این ویژگی مهم مدیریت و فرماندهی حاج قاسم را می‌توان ناشی از یکسان‌انگاری و هم‌ترازی امنیت و منافع ملی و فراملی، در اندیشه ایشان دانست که نتیجه این راهبرد، افزایش توان بازدارندگی، امنیت‌سازی فراملی و دور شدن سایه جنگ و تهدیدها از مرزهای جغرافیایی کشورمان بود.

خود برای آمریکا، به‌عنوان بزرگ‌ترین دشمن جمهوری اسلامی ایران به وجود آورد. ماحصل این کابوس، یعنی تغییر توازن قدرت منطقه‌ای به نفع ایران، مهم‌ترین رهاورد استراتژی شهید سلیمانی بود. این تغییر توازن در دل خود، دو نتیجه **توسعه عمق استراتژیک ایران در غرب آسیا و ایجاد توان بازدارندگی** را در عرصه بین‌المللی برای

ایران داشت. در واقع، این دو شاخص، مرز تهدیدات ایران را تا عمق راهبردی کشورهای متخاصم، عقب رانده است. دولت آمریکا فکر می‌کرد با شهادت حاج قاسم، دوباره به چرخه محوری تصمیم‌گیری در منطقه برمی‌گردد و طرح‌های شکست خورده خود را بازسازی می‌کند؛ درست است که سردار سلیمانی یکی از مهم‌ترین فرماندهان محور مقاومت و یکی از شخصیت بین‌المللی شاخص محور مقاومت بود، اما نباید فراموش کرد که **گفتمان مقاومت**، «**قائم به شخص**» نیست و شهادت حاج قاسم، نشان داد که چنین برداشتهایی از سوی آن‌ها، کاملاً اشتباه و سطحی‌نگر است، زیرا ترور سردار سلیمانی، موجب تقویت و عزم قدرت بازدارندگی محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران شد و مهم‌ترین که ماهیت سیاسی دولت آمریکا و متحدان وی را آشکار کرد.